

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۲۹ جنوری ۲۰۱۹



سرنوشت آینده افغانستان به دست اخوانی، القاعده، داعش و طالب است

القاعده

جهادگران



طالب

داعش

وطن عزیز ما زمانی مهد تمدن بود خصوصاً در دوره تیموریان هرات به اصطلاح امروزی دانشگاه یا بو هنتون شرق و غرب به شمار می رفت. عهد غزنوی خصوصاً در دوران سلطان محمود شهر غزنی جایگاه مرکزی در شعر و شاعری

داشت در هر دوره تاریخی افغانستان، هر گوشه کشور ما از خود علماء و دانشمندان و دارای تمدن خاص خود بود. ولایت بامیان تمدن بودایی، در بلخ مزار بعد از دوران باستا و مدنیت اوستائی عصر مشعشع اسلامی، در ولایت تخار پروان قندهار هلمند ننگرهار لوگر کابل و غیره، به نوبت هر شهر افغانستان مهد یک مدنیت پیشرفته بوده است. حتا در دوره های نزدیک در زمان امیر شیرعلی خان، چون جهان در حالت تحول علمی و جنبش های سیاسی اقتصادی قرار داشت مطبوعات آهسته آهسته بالای کشور ما تأثیر انداخته، معارف و مطبوعات رشد کرده از حالت خصوصی به حالت اجتماعی انکشاف نموده شکل رسمی به خود گرفت. در زمان امیر حبیب الله خان مکاتب رسمی در کابل تأسیس شد تعدادی از شاگردان خصوصی یعنی از مکاتب خانگی به رسمی رفته باعث انکشاف تعلیم و تربیه در طی زمان شد. تا این که در زمان امان الله خان مکاتب جبری شده رفت دوازه های تحصیلی بروی مرد وزن باز شده محصلان پسر و دختر پای شان به طرف خارج از کشور باز شده دختران و پسران چندیرا برای تحصیل به ترکیه و اروپا روان کردند. این زمینه در دوره ظاهرخان و داوود خان نیز ادامه یافته، هرچند در اول بیشتر از خاندان محمدزائی به خارج غرض تحصیل فرستاده می شد مگر بعداً از اقوام دیگر نیز غرض تحصیل به خارج از کشور فرستاده شد که با تأسف کشور های میزبان به خصوص در دوره های اخیر شوروی و امریکا، از فقر فکری و فرهنگی محصلان سوءاستفاده نموده به جای پرورش آنها در رشته های مورد نیاز افغانستان، اکثریت آنها را به مثابه جاسوس و نوکر خود پرورش دادند. بعد از کودتای هفت ثور سویه تعلیمی در افغانستان پائین آمده به جای دانش، روابط حزبی اهمیت پیدا نمود. همه مکاتب، پوهنتون و مراکز تعلیمی در خدمت حزب بود.

بعد از نابودی نوکران روس زمان یکه اخوانی ها و جنگسالارانه قدرت رسیدند، نسبت ده ها دلیل من جمله جنگ و عدم اعتقاد اخوانیت به معارف عصری، رکودی بس درانگیز در معارف افغانستان به وجود آمد مصیبت رکود زمانی به اوج خود رسید که طالب به قدرت رسانیده شد. طالب بنا بر ماهیت عقبگرایانه اش در ضدیت آشکار با علم و فرهنگ، به علاوه آن که درب تمام مکاتب و پوهنتون و مراکز علمی را بر روی نصف نفوس افغانستان، یعنی زنان میهن ما بست، در نصف بقیه هم به جز خرافات مذهبی و ایجاد نفرت بین اقوام و مذاهب متعدد کار دیگری انجام نداد.

با اشغال افغانستان به وسیله امریکا و ناتو و شرکای جنایات آنها، جفا و ظلم در حق معارف افغانستان در پوشش ایجاد مکاتب، پوهنتون ها و مراکز تعلیمی شخصی و خصوصی ساختن فعالیت های آموزشی ادامه پیدا کرد. اجباری بودن (هرچند روی کاغذ) و مجانی بودن تحصیلات که یکی از افتخارات دولت امانیه بود و این امکان را مساعد می ساخت تا درب مکاتب بروی اکثریت فرزندان کشور باز باشد و تا حدی به تحصیلات عالی نیز دست یابند، با آمدن اشغالگران و نصب گدی های کوکی "حامدکرزی" و بعد تر "غنی احمدزی" به بازیچه دست استخبارات منطقه تبدیل شده، هریک از کشور های همسایه برای حفظ موقف و رسیدن به سیادت در جمع رقباء زیر نام مکاتب و پوهنتون ها و مراکز آموزش، شبه های استخباراتی و جاسوس پروری شان را دایر نمودند.

به گفته استادان با تجربه ای که از وضعیت معارف فعلی افغانستان اطلاع دقیق دارند، وضع کنونی معارف در کشور ما تا حدی سقوط نموده که فارغ التحصیل صنف ۱۲ نه تنها اعمال اربعه را در ریاضی بلد نیست و چیزی به نام ضرب زبانی به گوشش نخورده است، حتا در نوشتن نامش نیز دچار مشکل می باشد.

در چنین فضائی است که میدان جذب و سازماندهی برای عقب مانده ترین نیرو ها به خصوص اگر از امکانات مالی خوبی هم برخوردار باشند، مساعد گردیده، نه تنها به هزاران مدرسه شخصی مذهبی، به تولید انبوه ملا و چلی مشغول است، بلکه از معارف افغانستان هم از لحاظ فکری به جز داعش و القاعده فارغ التحصیلی بیرون داده نمی شود. نظام

در تحت فرمان امپریالیسم و ارتجاع آگاهانه چنین سیاستی را پیش گرفته اند تا در آینده سرنوشت کشور و مردم ما را نیروهای ارتجعی و سیاه در خدمت امپریالیسم قرار داده بتوانند.